

ارزیابی نهادها و شیوه‌های افتراقی کشف جرایم اقتصادی در نظام کیفری^۱

کیومرث کلانتری^۲

عباس تدین^۳

سیدحسن جعفریان سوتنه^۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۸/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۱

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال پنجم / شماره هفدهم - پاییز ۱۳۹۹* ۱۰۸-۸۷

چکیده

بزهکاری اقتصادی به‌عنوان یک پدیده جنایی نوظهور، یکی از چالش‌های مهم در جوامع بشری است. ماهیت رفتارهای مجرمانه بزهکاران اقتصادی و تزویرآمیز بودن آن به‌همراه رویت‌پذیری اندک، گستردگی دامنه خطر و نیز برخورداری مرتکب از اطلاعات خاص با رقم سیاه بزهکاری موجب می‌شود تا شیوه‌ها و نهادهای عمومی در مرحله کشف، از کفایت لازم برخوردار نباشند؛ بنابراین، افتراقی‌شدن مرحله کشف در آیین دادرسی کیفری مرتبط با جرایم اقتصادی، ضرورتی غیرقابل اجتناب است. پژوهش حاضر، که با هدف ارزیابی نهادها و شیوه‌های افتراقی کشف جرایم اقتصادی در نظام کیفری به نگرارش درآمده‌است، از نوع کیفی و به‌لحاظ تبیین یافته‌ها، تحلیلی - توصیفی است؛ بدین‌صورت که جهت پاسخ به پرسش‌های پژوهش، ابتدا به شناسایی نهادهای متفاوت از دستگاه عدالت کیفری در کشف جرایم اقتصادی پرداخته شده‌است و در ادامه، شیوه‌های افتراقی مرتبط با کشف بزهکاری اقتصادی و جایگاه هر یک در نظام کیفری ایران مورد بررسی قرار گرفته‌است. طبق یافته‌های تحقیق، سیاست جنایی ایران با فاصله‌گرفتن از نظام دادرسی کیفری عمومی که دادسرا را عهده‌دار کشف جرم می‌داند، در تلاش است تا با تفویض اختیارات متعدد به نهادهای قوه مجریه و سایر دستگاه‌های خدمات عمومی و با به‌کارگیری سیاست جنایی مشارکتی در هسته‌های مختلف جامعه، یک نظام سراسری بین کشف و تعقیب جرایم در قلمرو بزهکاری اقتصادی را پدیدار سازد. نظام دادرسی کیفری ایران، با وجود به‌کارگیری موازین عمومی کشف در خصوص جرایم اقتصادی، تحت‌تأثیر اسناد

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری است.

۲. استاد دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی

۴. دانشجوی دکتری حقوق دانشگاه آزاد اسلامی

بین‌المللی، در مواردی، نهادهای متفاوت از دستگاه عدالت کیفری را به همراه شیوه‌های مشخص کشف جرم پیش‌بینی نموده‌است اما تمامی شیوه‌های موثر مرتبط با کشف بزهکاری اقتصادی، به‌شکلی نظام‌مند و یکپارچه مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته‌است.

واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، آیین دادرسی افتراقی، نظام کشف جرم، اسناد بین‌المللی، شیوه‌های نامتجانس

مقدمه

جرم اقتصادی و اشکال جدید آن، از پدیده‌های نوظهور حقوق کیفری است؛ با وجود این که قانونگذار در بند ج ماده ۴۷ و بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، عنوان "جرایم اقتصادی" را به کار برده‌است اما تاکنون تعریفی در این خصوص ارائه نداده‌است. طبق تعریف یکی از حقوقدانان، جرم اقتصادی اعمالی غیرقانونی است که در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به‌منظور کسب امتیاز اقتصادی صورت می‌گیرد (گوران اسکوگ^۱، ۲۰۰۴: ۲-۱). در تعریفی دیگر، جرم اقتصادی را عملی دانسته‌اند که به‌منظور کسب سود، از رهگذر نقض اعتمادی که اساس روابط بزهکار و بزه‌دیده را تشکیل می‌دهد، به‌نحوه ارتکاب می‌یابد که مقررات حاکم بر عملیات تجاری شرکت‌ها به‌منظور کسب پول یا هزینه با سود نقض می‌شوند (کورکچیگان^۲، ۲۰۰۰: ۲). گروهی نیز جرم اقتصادی را ضد سیاست اقتصادی دولت و برنامه‌ریزی اقتصادی آن مانند جرایم گمرکی، ارزی و مالیاتی بیان کرده‌اند (درودی، ۱۳۸۰: ۱۴) در تعریفی دیگر، جرایمی که در قوانین مربوط به حمایت از فعالیت‌های اقتصادی آمده‌است - اعم از این که در قانون جرایم اقتصادی پیش‌بینی شده‌باشد یا در قوانین متفرقه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کند - جزو جرایم اقتصادی است (زراعت، ۱۳۹۱: ۱۲). در مجموع، به‌نظر می‌رسد که جرم اقتصادی جرمی است که در ارتباط با فعالیت اقتصادی و با هدف کسب سود و منفعت مالی صورت می‌گیرد و موجب آسیب به ساختارهای نظام اقتصادی می‌گردد.

روشن است که با توجه به ماهیت پیچیده این دسته از جرایم و نحوه شکل‌گیری آن و توجه به حرفه‌ای بودن مرتکبان آن، به‌کارگیری راهبردی متفاوت در کشف و تعقیب نسبت به سایر گونه‌های بزهکاری، امری ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا تحت‌تأثیر اندیشه‌های نوظهور با تکیه

1. Goran Skogh
2. Kurkchigan

بر نامتجانس شدن مفاهیم جزایی، نظام کیفری در فرآیند شکلی با چند لایه‌شدن مولفه‌های ناظر بر کشف و تعقیب همراه شده‌است. در این بین، تنوع رفتار ارتكابی در جرایم اقتصادی، از این منظر که هر یک از این جرایم، شیوه متمایز رفتاری و متفاوت از یکدیگر دارند، وجود نهادها و شیوه‌های افتراقی کشف را ضرورت می‌بخشد؛ چه این که نه تنها رفتار مجرمانه در جرایم اقتصادی نسبت به جرایم سنتی متفاوت است بلکه به سبب گستردگی جرایم اقتصادی و شیوه متفاوت هر یک از این جرایم، اساسا رفتار مجرمانه آنها نیز متفاوت خواهد بود؛ که همین مهم در متفاوت بودن نهادها و شیوه‌های کشف جرم موثر است. افزون بر آن، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی این جرایم در ایجاد شیوه‌ها و نهادهای نوظهور موثر است؛ چراکه در افق عمومی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی بازارهای مالی و کاهش اعتماد عمومی نسبت به ساختار سیاسی - اقتصادی و در مواردی نیز فروپاشی آن گردد. همچنین، ماهیت رفتارهای مجرمانه بزهکاران اقتصادی و تزویرآمیز بودن آن، به همراه رویت‌پذیری اندک، گستردگی دامنه خطر، برخورداری مرتکب از اطلاعات خاص با رقم سیاه بزهکاری موجب می‌شود تا شیوه‌ها و نهادهای عمومی جهت کشف در این مرحله کافی نباشد؛ بنابراین، افتراقی شدن مرحله کشف در آیین دادرسی کیفری مرتبط با جرایم اقتصادی ضرورتی غیرقابل اجتناب است. به همین جهت، مقنن ایران با تأثیرپذیری از کنوانسیون‌های بین‌المللی نظیر کنوانسیون مریدا و پالمو، سعی در تخصیص قواعد متفاوت به صورت پراکنده در قالب قوانین و حتی دستورکارهای حکومتی خاص نموده‌است. در این بین، توجه به مرحله نخستین کشف جرم و تعیین ضوابط آن می‌تواند نقش مهم‌تری را در مبارزه با بزهکاری اقتصادی ایفا نماید؛ زیرا مهم‌ترین دلایل ارتكاب جرم در این مرحله جمع‌آوری گردیده و موجب جلوگیری از تضييع ادله اثباتی موجود در جرایم ارتكابی می‌گردد (سامر^۱، ۲۰۰۰: ۲)؛ چراکه با توجه به دلایل پیش‌گفته، اگر نظام دادرسی کیفری با تمسک به رویکردهای افتراقی نتواند در این مرحله، جرم اقتصادی و جرایم اقماری آن را کشف نماید، به جهت ویژگی‌های فنی و تخصصی و ساختار سازمان‌یافته بزهکاری اقتصادی، طبیعی است که در مراحل بعدی (مانند تحقیقات مقدماتی، دادرسی و صدور حکم) نیز نمی‌تواند به‌درستی اقدام کند؛ زیرا مرحله دادرسی متأثر از میزان دلایل مکشوفه و مرتکبان مرتبط در مرحله پیش‌دادرسی می‌باشد. بدین‌سان، مرحله کشف دقیق، به‌عنوان خط نخست رسیدگی‌های کیفری از منظر چگونگی کشف، نیازمند به‌کارگیری شیوه‌های افتراقی می‌باشد.

به نظر می‌رسد که نظام دادرسی کیفری ایران با وجود اینکه به‌موجب قانون آیین دادرسی کیفری به‌دنبال به‌کارگیری یک شیوه یکسان برای کشف همه جرایم می‌باشد، اما در برخی از جرایم نوظهور مانند بزهکاری اقتصادی، سعی نموده‌است تا با پیش‌بینی نهادها و شیوه‌های متفاوت از عموماًت نظام دادرسی، این جرایم را کشف نماید. همچنان‌که در قلمرو جرایم رایانه‌ای و جرایم اشخاص حقوقی، قانونگذار سعی نموده‌است تا دادرسی متفاوتی را در برخی از مراحل آیین دادرسی ایجاد نماید (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۴۸). بنابراین، این تحقیق به‌دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا نظام کیفری ایران در کشف جرایم اقتصادی نهادهای افتراقی خارج از دستگاه عدالت کیفری را پیش‌بینی نموده است؟ چه شیوه‌هایی می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد افتراقی در کشف جرایم اقتصادی موثر باشد و آیا نظام کیفری ایران، این شیوه‌ها را در قوانین موضوعه مورد پذیرش قرار داده‌است یا خیر. بدین‌سان، در قسمت نخست مقاله، به شناسایی این نهادها و جایگاه آنها پرداخته می‌شود و در بخش دوم نیز شیوه‌های مرتبط با کشف جرایم اقتصادی و جایگاه هر یک از آنان در نظام کیفری ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نهادهای افتراقی ناظر بر کشف بزهکاری اقتصادی

امروزه، آیین دادرسی کیفری نسبت به گذشته، از انتزاع کمتری برخوردار است و بیشتر به‌عنوان ابزاری برای رسیدگی به وضعیت انسان‌ها و مشکلات بشری به‌کار می‌رود. این اصول متأثر از ضرورت‌های زمان، در هر دوره از حیات اجتماعی و نظام‌های سیاسی دچار تغییرات گردیده‌اند و راهبردهای متفاوتی را برای مبارزه با جرایم در نظر گرفته‌اند (استفانی، ۱۳۷۷: ۵۵)؛ زیرا نظام دادرسی کیفری تحت تأثیر مفهوم پست‌مدرنیسم، از درون متکثر شده و به‌دنبال توزیع نهادهای متکثر مبارزه با جرم از رهگذر مشارکت سایر نهادها و رسمی و اداری در کنار مراجع قضایی است؛ از آن رو که تفکر پست‌مدرن بر این باور است که اساساً همه چیز ترک‌خورده، تکه تکه، متکثر و دور از عامیت و چند بخشی است؛ بنابراین، نهادهای کشف جرم نیز نمی‌توانند از این منظر در مراجع قضایی منحصر گردند (نصیری، ۱۳۹۱: ۶).

از این رو، بر مبنای اندیشه‌های نوظهور و با تکیه بر نامتجانس شدن مفاهیم و متکثر بودن هر یک از آنها، نظام دادرسی کیفری با چند نامتجانس شدن نهادهای ناظر بر کشف جرایم همراه است؛ همچنان‌که امروزه، برخی از دانشمندان علوم کیفری معتقدند که با توجه به چگونگی ارتکاب جرایم جدید و شدت آن، به‌همراه آثار موجود در این جرایم، باید شیوه‌های متفاوتی در

جهت کشف و تعقیب و دادرسی آنها به کار گرفته شود. از یک سو، دادرسی سریع و شدید برای بزهکاران خاص - که بزهکاری اقتصادی نیز می‌تواند در این دسته جای گیرد - و از سوی دیگر، آیین دادرسی ساده و عمومی برای جرایم متوسط که بی‌گمان، این موارد، مظهر افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری است (گسن، ۱۳۸۵: ۳۴). بنابراین، مفاهیم تکثرگرایی در حوزه حقوق کیفری شکلی است که سبب می‌گردد تا نظام‌های کشف جرایم، از جمله بزهکاری اقتصادی نیز با تأثیرپذیری از این مفاهیم و گذار از یکسان‌انگاری در دادرسی کیفری عمومی به نفع دادرسی کیفری افتراقی، متنوع و متکثر گردند. بدین‌سان، ویژگی‌های کشف جرایم اقتصادی و کارکردهای آن در این پهنه، با هدف جایگزین نمودن آیین‌های دادرسی بر آیین دادرسی با رویکردی متفاوت ایجاد شده و در حال رشد است.

در پهنه آیین دادرسی کیفری، نهادهای متعددی برای کشف در مرحله پیش‌دادرسی پیش‌بینی شده‌اند. این نهادها اغلب، بخشی از قوای حاکمه و دولت می‌باشند که با در اختیار داشتن امکانات و اختیارات مشخص، به کشف و تعقیب بزهکاری می‌پردازند؛ اما نقش هر یک از نهادهای پیش‌بینی شده در دادرسی کیفری عمومی، با توجه به ماهیت هر یک از این نهادها و حدود اختیارات آنها، متفاوت است. لزوم برخورد سریع‌تر با تکیه بر اصل زود سرانجامی کشف بزهکاری اقتصادی، سبب می‌گردد تا در راستای به‌کارگیری توان حداکثری و توزیع مسئولیت‌های ناظر بر مقابله با بزهکاری اقتصادی، شاهد این باشیم که از یک سو، نهادهای مختلف دولتی که در کشف سایر جرایم اختیاری ندارند، در حوزه بزهکاری اقتصادی وارد شوند و از سوی دیگر، الگوهای ناظر بر کشف نیز در این قلمرو، متفاوت از سایر جرایم ارتكابی باشند. درحقیقت، کشف جرم مرحله بسیار مهم و حساس دادرسی جزایی محسوب می‌شود و می‌توان گفت که این مرحله، مقدمه، پایه و اساس این دادرسی‌هاست (آخوندی، ۱۳۸۱: ۴۵)؛ زیرا در مرحله کشف جرم، دو ارزش بنیادین در کنار هم قرار می‌گیرند که رقیب یکدیگر هستند؛ چراکه از یک سو، تضمین نظم عمومی جامعه مورد اهمیت است و از سوی دیگر، رعایت حقوق و آزادی‌های فردی متهم. بر این مبنا، تضادی بین منافع فرد و جمع حاصل شده‌است که حمایت از منافع جمع، مستلزم واکنش مقتضی و منطبق با پدیده وقوع یافته می‌باشد.

نظام کشف و تعقیب بزهکاری اقتصادی نیز با تأثیرپذیری از طرح‌های ارائه شده، به دنبال نامتجانس ساختن کشف و تعقیب بزهکاری اقتصادی با سایر جرایم از رهگذر ایجاد نهادهای متعدد کاشف و تحصیل آزادانه ادله است. این نظام با فاصله‌گرفتن از نظام دادرسی کیفری

یکسان که دادسرا را عهده‌دار کشف جرم می‌داند، در تلاش است تا با تفویض اختیارات متعدد به نهادهای قوه مجریه و سایر دستگاه‌های خدمات عمومی و با به‌کارگیری سیاست جنایی مشارکتی در هسته‌های مختلف جامعه، به دنبال ایجاد یک نظام سراسری بین کشف و تعقیب جرایم در قلمرو بزهکاری اقتصادی باشد (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). بدین‌سان باید به دنبال یافتن الگوهای رسمی ناظر بر کشف بزهکاری اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های نظام حقوقی - اجرایی بود تا افتراقی بودن نهادهای کشف جرایم اقتصادی از رهگذر نقش حداکثری نهادهای قوه مجریه و سایر سازمان‌ها در بزهکاری اقتصادی نمایان گردد؛ چندان که در پهنه بررسی‌های مقررات داخلی به‌طور مستند به ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۵/۵/۶ هیئت وزیران رصد و ارزیابی و جلوگیری از قاچاق ارز توسط بانک مرکزی و نظارت بر خط آن توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و اعلام اطلاعات منشأ ارز کالاهای وارداتی اعم از بانکی، صرافی حاصل از صادرات و اریز متقاضی از سوی این بانک به گمرک را پیش‌بینی نموده‌است. افزون بر آن، برابر ماده یک آئین‌نامه مستندسازی وجوه در کشور، مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۸۶، بانک مرکزی مکلف است که به منظور مستندسازی جریان وجوه در کشور و شفاف‌سازی نحوه گردش آن در نظام بانکی، تمامی فعالیت‌های بانکی را تبیین نموده و برابر ماده ۶ همین آیین‌نامه اطلاعات تفصیلی خرید و فروش ارز را در نظام بانکی و صرافی در پایان هر روز ثبت نماید. بدیهی است که ثبت این موارد سبب می‌شود تا چنانچه از رهگذر اقدامات غیرقانونی در پهنه فعالیت ارزی، بزه‌ای رخ دهد، توسط این نهاد کشف و در پی آن، جهت تعقیب به مراجع قضایی ارسال شود.

وجود سایر نهادهای کاشف نظیر سازمان گمرک، به موجب بند چ ماده ۲ قانون گمرک مصوب ۱۳۹۰/۶/۱۴ با هدف اجرای قوانین و مقررات مربوط به تخلفات و قاچاق گمرکی و متعاقباً مفهوم ماده ۱۱۸ همان قانون مبنی بر اجرای مقررات کشف، تحویل و توقیف کالا و متهم توسط نهادهای کاشف و نحوه ارجاع پرونده به مراجع قضایی، از دلایل دیگر نامتجانس شدن نهادهای کاشف مرتبط با جرایم اقتصادی است؛ چندان که برابر مقررات بخش هشتم آیین‌نامه اجرایی گمرکی مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ سازمان گمرک به‌عنوان یک نهاد کاشف جرم، حق ضبط کالای قاچاق و اعلام آن به مراجع قضایی حسب مورد دادگاه انقلاب یا سازمان تعزیرات حکومتی را دارد؛ علاوه بر آن، شمول ماده ۱۳ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مبنی بر تکلیف اعلام جرم تمامی مسئولان دستگاه اجرایی و مأموران به خدمات عمومی نسبت به

بسیاری از مصادیق بزهکاری اقتصادی در صورت کشف به مقامات قضایی، نمونه‌ای دیگر از تعدد نهادهای کشف جرم وابسته به قوه مجریه می‌باشد. همچنین، قوه مجریه با درک اهمیت مبارزه با جرایم و مفساد اقتصادی در دهه‌های اخیر، موافقت‌نامه‌های را با موضوع همکاری بین‌المللی جهت کشف و تعقیب جرایم اقتصادی تنظیم نموده‌است که از جمله این موارد، می‌توان به موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی بین دولت ایران و دولت پاکستان مصوب ۱۳۹۳ یا ماده ۶۰ موافقت‌نامه همکاری دولت ایران و ایتالیا در حوزه قاچاق آثار هنری، جعل اسناد دولتی، جعل ارز و اوراق بهادار و جرایم اقتصادی مانند پول‌شویی در سال ۱۳۸۲ یا موافقت‌نامه‌ای دیگر بین دولت ایران با قزاقستان در سال ۱۳۸۰ با موضوع مبارزه با مجرمین جرایم اقتصادی و تطهیر پول (بند پ ماده ۱ موافقت‌نامه) و سند همکاری دوجانبه دولت افغانستان و ایران (بند الف ماده ۱) درباره مبارزه با فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی از قبیل تطهیر پول و بهره‌برداری از درآمدها و سودهای مالی اشاره داشت. از آنجا که حلقه مشترک تمام موافقت‌نامه‌های فراملی این است که کشف جرایم با همکاری وزرات کشور دولت‌های طرف قرارداد و توسط این وزارتخانه صورت پذیرد، بنابراین، در پهنه یک سیاست جنایی فراملی، نهادهای کاشف عمومی نظیر دادسرا و قوه قضائیه یا وزارت دادگستری، در همکاری‌های موردنظر نقش مستقلی نداشته و این امور در بین سایر نهادهای قوه مجریه متکثر می‌باشد. بدین‌سان، در حوزه جرایم اقتصادی با عبور از انحصار نهادهای قضایی (دادسرا و پلیس) می‌توان مداخله حداکثری سایر نهادهای دولتی - اجرایی وابسته به قوه مجریه را نیز در کشف این جرایم مشاهده نمود.

کشف و تعقیب جرم، به دلیل ویژگی‌های خاص بزهکاری اقتصادی نظیر عدم وجود بزه‌دیده در بسیاری از این جرایم، پیچیدگی ساختاری، مرتکبان خاص آن و در مواردی، فرامرزی و بین‌المللی بودن این پدیده، سبب می‌شود تا الگوی مطلوب کشف جرم از یک الگوی انحصاری تحت‌نظر دستگاه عدالت کیفری به سوی نهادهای کاشف دولتی و اجرایی - اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی - به حرکت درآیند؛ بنابراین، ملاحظه می‌شود که در قلمرو دادرسی کیفری ایران، شماری از نهادهای وابسته به دستگاه‌های تقنینی و قضایی و اجرایی برای پاسخ‌دهی به جرایم اقتصادی، تکلیف قانونی به کشف و اعلام جرایم و در برخی از موارد، شکایت را برعهده دارند. بدین‌سان، نهادهای وابسته به قوای تقنینی قضایی و اجرایی دربرگیرنده مجموعه‌ای از سازمان‌های دولتی هستند که مأموریت شناسایی و اعلام رفتارهای مجرمانه اقتصادی به مراجع قضایی، به آنها واگذار شده‌است (نیازپور، ۱۳۹۸: ۵۰)؛ از جمله این موارد، سازمان بورس و اوراق

بهادار کشور به‌عنوان ضابط اجرایی - اقتصادی است؛ چندان که به‌موجب بند ۷ ماده ۴ نظارت بر فعالیت و رسیدگی به شکایات از سازمان، برعهده شورای عالی بورس - به‌عنوان بالاترین رکن سازمان - است که تصویب سیاست‌های کلان آن را برعهده دارد. از سوی دیگر، به دلالت ماده ۵۲ قانون پیش‌گفته، سازمان مکلف است که در حوزه جرایم موضوع این قانون، مستندات و مدارک را جمع‌آوری نموده و به‌عنوان شاکی پیگیری نماید. افزون بر آن، در سایر نهادهای اقتصادی - اجرایی، از جمله سازمان امور مالیاتی، به‌موجب فصل ششم قانون مالیات‌های مستقیم با پیش‌بینی دادستانی انتظامی مالیاتی و وظایف و اختیارات آن مبنی بر اعلام جرم و اقامه دعوی به‌موجب بند ۲ ماده ۲۶۴ و تبصره ۲ ماده ۲۷۴ دادستان انتظامی مالیاتی تکلیف نموده‌است که به اعلام جرم و اقامه دعوی بر ضد مرتکبان اقدام کند. همچنین، سیاست جنایی ایران تحت تأثیر الحاق به کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا) تدابیر مهمی را در این زمینه اتخاذ نموده‌است. در این بین، تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی سال ۱۳۸۶ با اصلاحات سال ۱۳۹۷ و آیین‌نامه اجرایی آن، از مهم‌ترین نمونه‌های مشارکت نهادهای اجرایی غیرقضایی در مبارزه با بزهکاری اقتصادی است.

توجه به ماده ۴ قانون مبارزه با پول‌شویی اصلاح‌شده در سال ۱۳۹۷ شورای عالی مبارزه با پول‌شویی به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزرای اطلاعات، وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر کشور، رئیس کل بانک مرکزی و سه تن از نمایندگان مجلس، جلوه‌ای از تشریک مساعی قوای سه‌گانه در مبارزه با بزهکاری اقتصادی است؛ چندان که به موجب ماده ۳۸ آیین‌نامه اجرایی این قانون، مرکز اطلاعات مالی به‌عنوان یک نهاد فنی برای مبارزه با پول‌شویی و سامان‌دهی و انجام اقدامات لازم در این زمینه، در وزارت اقتصاد و دارایی مستقر بوده‌است تا با جمع‌آوری و اخذ اطلاعات مشکوک و ارزیابی و بررسی و تحلیل آن، پس از کشف جرم اقتصادی، اطلاعات موردنیاز مراجع قضایی و دستگاه‌های مرتبط را فراهم سازد.

بدین‌سان، با توجه به بند ۲ ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری با موضوع شروع قانونی تعقیب جرم از رهگذر اعلام و اخبار مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن، تکلیف مقامات قضایی در این خصوص مبنی بر تعقیب، مشخص شده‌است. تکلیف به همکاری بین نهادهای قضایی با سازمان‌های غیرقضایی از جمله ۱۵ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده مبنی بر نظارت و بازرسی نسبت به فعالیت‌های کنشگران اقتصادی و تجاری و اعلام جرم نسبت به مرتکبان این جرایم در نظام حقوق مصرف‌کننده، ظهور در تکثر و توزیع نهادهای کاشف جرایم

اقتصادی در نظام دادرسی ایران دارد؛ بنابراین، تکثر نهادهای کاشف و استفاده از سازمان‌های اداری - اجرایی، امکان حضور و مشارکت سازمان‌های غیرقضایی را در فرآیند کیفری از مرحله نخستین کشف جرم محقق می‌سازد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). به عبارت دیگر، در پهنه کشف جرایم اقتصادی، دستگاه عدالت کیفری به تنهایی مسئول کشف جرم نمی‌باشد؛ با این حال، ممکن است به هنگام تحصیل دلیل و جمع‌آوری آن و نظارت در نحوه اقدامات اجرایی، اصول صحت و صداقت در کسب ادله نادیده انگاشته شود و حقوق انسانی افراد و حق عدالت آنان در معرض تهدید و تجاوز قرار گیرد؛ چه این که اصول و قواعدی که ناظر بر مرجع قضایی هستند، اصولی امنیت‌محور محسوب می‌شوند که درصدد تضمین و تأمین امنیت شهروندان اجتماع هستند. بر مبنای این دیدگاه، قانونی بودن تحصیل ادله، یک اصل بنیادین است که سایر اصول از جمله کشف حقیقت، تسریع در رسیدگی، احترام به حریم خصوصی افراد و توجه به حقوق دفاعی متهم، متأثر از آن می‌باشند (تدین، ۱۳۹۷: ۶۸)؛ بنابراین، در شیوه‌های متعارف کشف بزهکاری اقتصادی باید از شاخص‌های تحصیل دلایل قانونی پیش‌بینی شده در نظام دادرسی کیفری عمومی بهره‌مند گردیده و از روی‌آوری به شیوه‌های گزینشی نظارت و جمع‌آوری ادله در نهادهای غیرقضایی خودداری گردد. از آن رو، به نظر می‌رسد که متولیان این نهادها باید با تبیین ماهیت کشف جرم و چگونگی تحصیل دلیل، به دنبال ارائه آموزش‌های لازم و تخصص‌های فنی با حفظ ارزش‌های بنیادین حقوق و آزادی‌های انسانی به مراجع کشف باشند.

شیوه‌های افتراقی قانونی ناظر بر کشف بزهکاری اقتصادی

حقوق کیفری با گذار از اندیشه اصول‌گرایی کلاسیک و تحت‌تأثیر آموزه‌های پست‌مدرنیسم و با تکیه بر جوهره تکثرگرایی، سعی در تبیین هر یک از مفاهیم جنایی و ارائه یک راهبرد ویژه برای هر جرم نموده‌است؛ به‌گونه‌ای که طرح‌های ارائه‌شده در دادرسی کیفری نیز رسوب نموده و سبب جزیره‌ای و نامتجانس‌شدن آیین دادرسی کیفری در کشف و تعقیب، دادرسی و اجرای حکم جرایم نوظهور می‌گردد. مساعی بین‌المللی ناظر به مقابله با جرایم اقتصادی و سازمان‌یافته در قلمرو یافته‌های جرم‌شناختی، نمونه بارز اراده جهانی در مقابله منحصر با جرایم پیشرفته است. بر همین مبنای، در مرحله کشف و تعقیب تخصیص قواعد افتراقی، خواه از منظر تمهیدات ناظر بر شناسایی و کشف در اسناد بین‌المللی مانند "تحويل نظارت‌شده" (بند ط ماده ۲ کنوانسیون پالرمو)، "دام‌گستری" (بند ۱ کنوانسیون مریدا)، "تعدد نهادهای کاشف

جرم" (بند د ماده کنوانسیون پالمو) و بهره‌وری از رهگذر سامانه‌های اطلاعاتی هوشمند (بند ۶ ماده ۱۲ کنوانسیون پالمو) و خواه از منظر تحدیدات افتراقی ناشی از زمان تعقیب با پیش‌بینی مواعد طولانی در مرور زمان (بند ۵ ماده ۱۱ کنوانسیون پالمو و ماده ۱۱ کنوانسیون مریدا) قابل بررسی است که در ادامه، نقش هر یک از این موارد از منظر سیاست جنایی بین‌المللی و جایگاه آن در نظام کشف و تعقیب ایران ارزیابی می‌گردد.

۱. تحویل نظارت‌شده

ارتکاب جرایم اقتصادی اغلب به شکل مشارکتی و با همکاری افراد خاصی صورت می‌پذیرد و گاه می‌تواند از مرزهای یک کشور نیز گذر کرده و در پهنه حاکمیت دیگری به وقوع بپیوندد. چندان‌که در جرم پول‌شویی، ممکن است که مرحله جایی و لایه‌گذاری آن در دو یا چند جغرافیای جنایی صورت گیرد (عباسی، ۱۳۹۳: ۶۲)؛ بنابراین، به‌کارگیری راهبردی هدفمند جهت رهیابی فرآیند انتقال و جابه‌جایی و تبدیل، جهت شناسایی تمامی عوامل این جرم و نیز تبیین میزان گستردگی و حجم تبادلات مالی، امری ضروری است؛ البته برای این‌که انجام و به‌کارگیری روش‌های فنی و تحقیقاتی مورد سوءاستفاده قرار نگیرد، در نظام حقوقی بیشتر کشورهایی که چنین تحقیقاتی را به رسمیت شناخته‌اند، تشریفات خاص آن نیز پیش‌بینی شده‌است (سلیمی، ۱۳۹۱: ۹۷)؛ چندان‌که در ماده ۲۰ کنوانسیون پالمو مقرر گردیده‌است که دولت از رهگذر روش تحویل نظارت‌شده، در مبارزه با قاچاق غیرقانونی محموله‌ها همکاری نماید. به همین منظور، به‌موجب بند ط ماده ۲ از همان کنوانسیون، تحویل نظارت‌شده عبارت است از اجازه عبور محموله‌های غیرقانونی یا مشکوک از طریق سرزمین یا به داخل سرزمین یک یا چند کشور با اطلاع و تحت نظارت مراجع صلاحیت‌دار آنها به‌منظور انجام تحقیقات لازم درباره یک عمل مجرمانه و شناسایی اشخاصی که در ارتکاب آن دست دارند. بدیهی است که بهره‌مندی از این شیوه، نیازمند به‌کارگیری نهادهای مختلف اجرایی از جمله مراجع گمرکی، مالیاتی و نظارتی است که در مفهوم سنتی کشف جرم، جایگاهی برای آن متصور نیست. به لحاظ اهمیت راهبرد تحویل نظارت‌شده در سیاست جنایی بین‌المللی، سازمان ملل متحد در کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا) به‌موجب بند ۱ ماده ۵۰ از تحویل نظارت‌شده نام برده و کشورهای عضو را به این مهم ترغیب می‌نماید. دولت‌هایی که این تأسیس را پذیرفته‌اند، به‌نوعی از حاکمیت ملی خود در مواردی صرف‌نظر می‌نمایند تا مبارزه موثرتری را که همواره مورد تأکید جامعه جهانی می‌باشد، صورت دهند (اردبیلی، ۱۳۹۰: ۳۳۷).

در حقوق ایران، راهبرد حمل و نظارت تحت کنترل، فقط در ماده ۴۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر پیش‌بینی شده‌است و در مورد جرایم اقتصادی، این مهم پیش‌بینی نگردیده‌است؛ حال آن‌که، از منظر جرم‌شناسی، این دسته از جرایم مبتنی بر تزویر بوده و اغلب در وضعیت نابرابری بین بزهدکار و بزهدیده به وقوع می‌پیوندند (گسن، ۱۳۸۹: ۴۶)؛ همچنان‌که مجرمان جرایم اقتصادی به‌منظور مخفی کردن ماهیت حقیقی فعالیت‌های خود، با هم تیبانی می‌نمایند که هدف از این توطئه، پنهان‌سازی اقدامات مجرمانه جهت نیل به نفع بیشتر است که بی‌تردید می‌تواند فضای بزهدیدگی را به جهت نوع ارتکاب جرم پنهان‌کاری، بیشتر کند (ال بنسون، ۱۳۹۰: ۱۴۲). بدین‌سان، ضرورت درک چنین راهبردی سبب گردید تا دولت ایران نسبت به عقد موافقت‌نامه‌های دو جانبه با برخی از کشورها در امور گمرکی اقدام کرده و به اتخاذ روش تحویل تحت نظارت و کنترل توجه نماید. از جمله این موارد، موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه در خصوص همکاری و کمک متقابل در امور گمرکی مصوب ۱۳۷۹ می‌باشد که در ماده ۶ آن مقرر است که نهادهای گمرکی طرفین می‌توانند مطابق با قوانین ملی کشورهای خود و با توافق متقابل روش تحویل کنترل‌شده کالا و اقلام موادمخدر و روان‌گردان را با هدف کشف عوامل گردش غیرقانونی این کالاها و اقلام به اجرا درآورند. همچنین، بند (ر) ماده ۱ قانون موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آفریقای جنوبی در مورد کمک متقابل بین گمرک‌های آنها مصوب ۱۳۹۱ به تحویل تحت کنترل‌شده که در آن، گمرک‌های طرفین بر اساس قانون داخلی خود بر انتقال موادمخدر یا موادی که اغلب در ساخت قانونی موادمخدر یا روان‌گردان مورد استفاده قرار می‌گیرند، از قلمرو خود نظارت کرده یا اجازه عبور آن به‌منظور کشف جرایم مربوط به واردات یا صادرات این فرآورده‌ها و شناسایی افراد دخیل در ارتکاب این جرایم را می‌دهند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که نظام کشف و تعقیب دادرسی کیفری ایران در مقام مبارزه با این دسته از جرایم، مستلزم استفاده از راهبردهای لازم جهت بهره‌وری این روش می‌باشد تا با لحاظ پیچیدگی ماهیت و گستردگی فرآیند جغرافیایی در برخی از مصداق جرایم اقتصادی نظیر قاچاق کالا و ارز، نتایج بهتری را به‌دست آورد.

۲. اجباری بودن اعلام جرم

حق تعقیب دعوی عمومی متعلق به جامعه است و جامعه نیز این حق را به‌واسطه نمایندگان خود، به‌موقع به معرض اجرا می‌گذارد و بزهدکار، به نام جامعه، تحت تعقیب قرار

می‌گیرد (آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۳۸). در این میان، افراد عادی جامعه، خود، به‌عنوان کنشگر خط اول عدالت کیفری اقدام به اعلام جرم می‌نمایند. اعلام جرم از سوی افرادی است که نه در ارتکاب جرم به‌عنوان مباشرت، مشارکت یا معاونت دخالت داشته‌اند و نه به‌عنوان بزه‌دیده یا قائم‌مقام او، حق شکایت کیفری دارند (مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۲۳۳)؛ با این حال، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار در ماده ۴۵ این قانون، فقط در مورد جرایم مشهود، این حق را برای شهروندان عادی در نظر گرفته‌است؛ این درحالی است که اغلب جرایم اقتصادی به‌جهت شیوه خاص ارتکاب آن، به‌صورت غیرمشهود انجام می‌شوند. واضح است که اقدام قانونگذار در ماده ۶۶ قانون مزبور در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد نیز به نظر نمی‌تواند این نقص را برطرف نماید. بر اساس این ماده، موسسات غیردولتی غیرانتفاعی، از آن جهت که خود بزه‌دیده نیستند، نمی‌توانند به‌عنوان شاکی خصوصی، تقاضای تعقیب کیفری نمایند بلکه جایگاه اعلام‌کننده جرم را دارا می‌باشند (خالقی، ۱۳۹۳: ۷۱)؛ همچنین، بر اساس ماده ۶۳ آیین‌نامه سازمان بازرسی کل کشور، مسئولان و اشخاص موضوع ماده ۱۲ این قانون موظفند که بدون فوت‌وقت، سوء جریانات مالی و اداری مرتبط با وظایف کارکنان را به سازمان اعلام نمایند. برابر ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، چنانچه بازرسان قانونی موسسات و شرکت‌های مشمول بازرسی، مسئولان، سازمان حسابرسی دولتی، حفاظت و اطلاعات و حراست و نظارت و بازرسی به سوء جریانی در رسیدگی به عملکرد مالی و اداری دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی وابسته به دولت برسند که مربوط به وظایف سازمان بازرسی است، باید مراتب را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند. با این حال، به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مساعی قانون‌گذار در این مورد، تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور است که به‌موجب آن، مدیر یا مدیران و بازرسان یا بازرسان و به‌طور کلی، مسئول یا مسئولان مربوط که به‌گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مذکور مطلع شوند، مکلف به اعلام جرم هستند. افزون بر آن، تکلیف سازمان بورس و اوراق بهادار نسبت به طرح شکایت در مراجع قضایی (ماده ۵۲ قانون بازار اوراق بهادار) و ماده ۱۵ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در خصوص بازرسی و اعلام جرم بر ضد مصرف‌کننده توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت از جمله موارد پیش‌بینی‌شده در نظام حقوقی ایران است. بدین‌سان، ملاحظه می‌شود که توسعه جرم‌انگاری ترک فعل گزارش‌دهی جرایم مرتبط با مفاسد اقتصادی به کارکنان دستگاه‌های اداری، از درک خطر تهدیدهای ناشی از فساد نسبت به ثبات و امنیت

جامعه توسط قانونگذار و مصمم‌شدن دولت بر پیشگیری از فساد حکایت دارد. هرچند که مسئولیت کیفری ناشی از ترک فعل در حقوق کیفری، امر دیرینه‌ای است اما تسری آن به قلمرو فساد اداری و مالی در راستای افتراقی‌سازی سیاست جنایی نگاهی نو تلقی می‌گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۴)؛ زیرا مفهوم اجباری بودن اعلام جرم، موجب وجود تکلیف مراجع اداری و کارکنان آن در حوزه جرایم مرتبط با آنان می‌شود؛ چندان که در اسناد بین‌المللی، از جمله بند ۴ از ماده ۸ کنوانسیون مریدا پیش‌بینی شده است که هر کشور عضو، طبق اصول اساسی داخلی خود، نظام‌هایی را جهت تسهیل گزارش‌دهی فساد به مراجع مربوطه توسط مقامات دولتی تعیین نماید. در کنوانسیون پارمو، به موجب ماده ۲۶، دولت‌ها تدابیر لازم جهت ترغیب اشخاصی که در گروه‌های مجرمانه مشارکت داشته‌اند را در مواردی اعمال می‌نمایند و به جهت اعلام جرم، این دسته از افراد را از تعقیب معاف می‌کنند؛ بنابراین، افراد بزهکار بنا به اجبار روانی و درونی اقدام به همکاری می‌نمایند.

۳. تحقیقات مخفی و نفوذ

در برخی از جرایم اقتصادی، کشف جرم امری پیچیده است. درحقیقت، پلیس به‌عنوان کنشگر خط اول عدالت کیفری، گاهی جهت حفظ امنیت جامعه، از حالت واکنشی خارج و به فعالیت‌های خود، جنبه فعالانه و کنشی می‌بخشد؛ بدین‌سان، مأموران پلیس در قالب اقدامات کنشی، موجبات ترغیب و تحریک یک فرد به ارتکاب جرم را به‌منظور کسب ادله و محکوم نمودن وی فراهم می‌آورند (الهام، ۱۳۹۲: ۱۰۸)؛ چندان که در جرایم اقتصادی بدون بزه‌دیده (مانند قاچاق کالا) و یا حتی برخی از جرایم اقتصادی آمیخته به فساد، نمی‌توان با در نظر گرفتن فرض شکایت شاکی، موجبات تعقیب را فراهم آورد. به همین دلیل، ضرورت تحقیق و کشف، ایجاب می‌کند که در مواردی، کنشگران خط اول عدالت کیفری، با حضور در هسته‌های مجرمانه و با تعیین برنامه‌ای مشخص، در کشف این جرایم تلاش کنند؛ بنابراین، ترسیم دام‌گستری و طرح جرم توسط مأمور و تدارک آن برای شخصی است که تنها به حيله، فریب و اغوای مأمور، تمایل به ارتکاب آن پیدا کرده است (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴: ۱۱۸)؛ از این رو، کشف و تعقیب جرایم اقتصادی به‌منظور اثبات محکومیت مرتکبان آنها اغلب برای پلیس با دشواری و مشکلاتی همراه است. مأموران پلیس برای تأمین اهداف خود، گاهی اوقات، از روش‌هایی استفاده می‌کنند که در آنها، خود، پدیدآورنده فعل مجرمانه و همین‌طور شاهد آن هستند تا با توجه به ادله به‌دست‌آمده در لحظه ارتکاب جرم، موجبات تعقیب محکومیت فرد را فراهم آورند (معظمی، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

قلمرو تدبیر دام‌گستری در حقوق ایران، به صورت دقیق مشخص نشده است و طبیعتاً در جرایم اقتصادی نیز این مهم مغفول مانده است؛ این در حالی است که در کنوانسیون مریدا، به تدبیر دام‌گستری در بند ۱ ماده ۵۰ اشاره شده است که به موجب آن و بر اساس شرایط تجویز شده به وسیله قانون داخلی، اقدامات ضروری را در چارچوب امکانات خود اتخاذ نموده است تا مراجع صلاحیت‌دار آن بتوانند در قلمرو آن، از فنون تحقیقاتی مثل اشکال عملیات مراقبتی و مخفی استفاده کنند و از قابل‌پذیرش بودن شواهد حاصل از آن در دادگاه بهره‌مند شوند. همچنین، به موجب بند ۱ ماده ۲۰ کنوانسیون پالرمو، کشورها - در صورتی که اصول اساسی نظام‌های حقوقی ملی آنها اجازه دهد - موظف هستند که اجازه استفاده مناسب از شگردهای تحقیقاتی ویژه‌ای نظیر نفوذ به عملیات مجرمانه و یا عملیات مخفی را صادر کنند. با این همه، مسئله این است که استحکام مدارک به دست آمده از طریق نفوذ یا همان دام‌گستری برای محکومیت مرتکب باید به گونه‌ای باشد که تأمین منافع عدالت و نیاز به حصول اطمینان از محاکمه عادلانه برای متهم را به همراه داشته باشد (جوانمرد، ۱۳۹۶: ۳۱۶)؛ از این رو، به نظر می‌رسد که تجویز رفتار مخفیانه پلیس در کسب ادله، همواره باید به عنوان شیوه‌ای استثنایی صورت پذیرد و مأموران نیز فقط با اقدامات کنشی خویش سبب تسهیل وقوع جرم گردند.

۴. بهره‌مندی از مخبران اقتصادی بزهکار

واقع امر آن است که از منظر جرم‌شناسی بسیاری از جرایم اقتصادی، بزه‌دیده حقیقی ندارند؛ زیرا بزهکاری اقتصادی به جهت ساختار و فرآیند شکل‌گیری، بیشتر در داخل تشکیلات ادارات و سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی رخ می‌دهد و کمتر در مکان‌های عمومی به وقوع می‌پیوندد و بزه‌دیده آنها نیز شخص حقوقی و در بیشتر موارد، دولت است و موارد اعلام جرم به دادگاه و نهادهای تعقیب هم کم است (یوسفی‌مراغه، ۱۳۹۲: ۱۵۶)؛ افزون بر این، به کارگیری شیوه‌های فعالانه و کشف و تعقیب این جرایم می‌تواند از وقوع بزه‌های اقتصادی سازمان‌یافته پیشگیری نماید؛ بر این اساس، باید اطلاعات ارائه شده از سوی مخبر اقتصادی، در دسترس مقام قضایی قرار گیرد تا با توجه به شرایطی نظیر دانش مخبر، آگاهی از نوع ارتباط میان مخبر و مرتکبی که اطلاعات مزبور بر ضد او جمع‌آوری شده است، صحت و سقم اطلاعاتی که مخبر قبلاً در اختیار مقام قضایی قرار داده است و نظایر اینها، دامنه فرآیند اطلاعات به دست آمده و ارزش‌گذاری قضایی آن مشخص شود. اهمیت و لزوم بهره‌مندی از مخبران اقتصادی سبب گردیده است تا در بند ۱ ماده ۳۷ کنوانسیون مریدا، هر کشور عضو، اقدامات لازم را اتخاذ نماید و افرادی

که در ارتکاب جرم حضور داشته‌اند را ترغیب نماید تا اطلاعات مفید را به مراجع صلاحیت‌دار ارائه دهند. برابر بند ۳ این ماده، در صورت احراز این همکاری، هر کشور عضو موظف است که بر مبنای قانون داخلی خود، افرادی که در جریان درگیری یا پیگیری جرم همکاری داشته‌اند را مشمول مصونیت از تعقیب قرار دهد؛ همچنان که این مهم در ماده ۲۶ کنوانسیون پالمو نیز مورد شناسایی قرار گرفته‌است و تمامی کشورهای عضو برای ترغیب اشخاصی که در گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته مشارکت داشته‌اند، چنانچه برای انجام تحقیقات یا جمع‌آوری مدارک و مستندات، اطلاعاتی را در اختیار مقامات صلاحیت‌دار قرار دهند، بر مبنای قوانین داخلی کشور عضو، از مصونیت امر تعقیب برخوردار گردیده یا در کیفر آنان، تخفیف مقتضی اعمال می‌گردد. در نظام حقوقی ایران نیز برابر ماده ۱۲ بخش‌نامه ۱۹ ماده‌ای معاونت ریاست جمهوری برای مبارزه با مفاسد اقتصادی مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۹ به این موضوع توجه شده‌است. در این ماده، مقرر گردیده‌است که به‌منظور تأمین حمایت از شخصی که با حسن نیت و دلایل معقول، گزارش مربوط به جرایم احراز شده را به مقامات صلاحیت‌دار ارائه دهد، باید در برابر هرگونه تهدید یا رفتار غیرقابل توجیه، اقدامات مراقبتی و تأمینی مقتضی صورت پذیرد. افزون بر آن، مواد ۵۲۱ و ۵۳۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص همکاری مؤثر بزهکاران در برخی از مصادیق جرایم اقتصادی مانند قلب سکه و جعل و استفاده از سند مجعول یا تبصره ۵ ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در خصوص این که هرگاه قبل از کشف جرم، مأموران را از وقوع بزه آگاه سازد، از مجازات معاف می‌شود، نمایان‌گر جلوه‌هایی از لزوم بهره‌مندی بزهکاران اقتصادی در قلمرو نظام کیفری ایران است.

۵. طولانی‌شدن مرور زمان کشف

افزایش مدت مرور زمان کشف و تعقیب یا ممنوعیت اعمال مرور زمان، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های افتراقی در مرحله کشف و تعقیب بزهکاری اقتصادی است؛ چه این که با وجود این فرآیند، امکان بیشتری برای تعقیب بزهکاری اقتصادی فراهم می‌گردد. علت پیش‌بینی این مهم در قوانین کیفری و به‌خصوص بزهکاری اقتصادی را باید در رویت‌پذیر نبودن این جرایم دانست؛ همچنان که آثار این جرایم آنی نیست و تا زمانی که بزه‌دیده واقعی نداشته‌باشد، دیده نمی‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۵۶). دلیل دیگری که لزوم زمان بیشتر برای تعقیب بزهکاری اقتصادی را توجیه می‌نماید، این است که رسیدگی به جرایم اقتصادی زمان بیشتری را - به‌ویژه در مواردی که موضوع آن، نیابت در عرصه بین‌المللی است - می‌طلبد (سلطانی‌فر، ۱۳۹۷: ۱۷۶).

نظام حقوقی ایران نیز در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی، با ابتننا بر تبصره ماده ۳۶ از همان قانون، مصادیق بزهکاری اقتصادی را از شمول مرور زمان، به‌طور قطع خارج نموده‌است. البته عده‌ای نیز معتقدند که ممنوعیت مرور زمان موجب کارکرد پیشگیرانه این راهبرد بوده و صرف پیش‌بینی این راهکار سبب بازدارندگی در حوزه بزهکاری اقتصادی است (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۷۸).

به نظر می‌رسد که پیش‌بینی مرور زمان در پهنه جرایم اقتصادی امری ضروری است؛ هر چند که نسبت به سایر جرایم از طول مدت تعقیب بیشتری برخوردار باشد؛ زیرا عدم پیش‌بینی مطلق مرور زمان، سبب می‌شود که به علت طولانی‌شدن مواردی از تعقیب و از بین رفتن ادله و ضرورت تعقیب و ناتوان ماندن از ترمیم آثار ناشی از بزهکاری در جامعه، از یک سو، هزینه‌های تعقیب افزایش یابد و از سوی دیگر، ضرورت تعقیب نسبت به گذشته موردنظر نباشد؛ بنابراین، قانونگذار نیز باید مرور زمان بزهکاری اقتصادی را با تعیین مدت طولانی مرور زمان موردپذیرش قرار داده و به همه نهادهای کاشف - اعم از قضایی، اجرایی و تقنینی - تسری دهد؛ چندان که در اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون پالمو در بند ۵ ماده ۱۱ کنوانسیون و در ماده ۲۹ کنوانسیون مریدا، پیش‌بینی مرور زمان به‌صورت طولانی مورد نظر قرار گرفته‌است. بدین‌سان، از منظر مساعی بین‌المللی، بزهکاران اقتصادی، با وجود پذیرش مرور زمان، با مواعد طولانی جهت تعقیب مواجه شده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مرتکبان جرایم اقتصادی در بسیاری از موارد، از پایگاه اجتماعی و ثروت و نفوذ و تسخیر ارگان‌های دولتی و حاکمیتی برخوردار می‌باشند؛ همچنین، در نحوه ارتکاب این جرایم، از شیوه‌های مخفی خاص و راهبردهای فنی و پیچیده‌ای بهره‌مند می‌گردند. این دسته از بزهکاران در سطح کلان از راهبردهای قانونی متخصصان نظیر کارشناسان مالی و اقتصادی حساب‌رسان معتبر و خبیره‌ترین مشاوران اداری و سیاسی و حقوقی استفاده می‌نمایند و روشن است که در چنین شرایطی، استفاده از راهبردهای عمومی و مشخص کشف و تعقیب جرایم عادی نمی‌تواند راهگشای کنشگران عدالت کیفری برای کشف و تعقیب این دسته از بزهکاری‌ها باشد؛ زیرا هویت شکلی لزوماً نباید از هویت ماهوی پیروی کند؛ به عبارت دیگر، راهبردهای قضایی برای تشخیص بزهکاری اقتصادی و کشف و تعقیب آن از جهت ارکان ماهوی و شرایط بنیادین شکل‌دهنده نبوده‌است بلکه از منظر شرایط فرعی و عارضی و چگونگی گستردگی

آن و به‌کارگیری راهبردهای معین جهت مهار این نوع بزهکاری مورد نظر است؛ از همین رو، به‌کارگیری شیوه‌های نوین ارتکاب جرم از سوی بزهکاران حرفه‌ای و برخی از مجرمان مصمم، سبب می‌گردد تا راهبرد کشف این قبیل از جرایم نیز متفاوت باشد. در این بین، محدوده ارتکاب جرایم اقتصادی، با توجه به شیوه‌های خاص ارتکابی آن، نیازمند پیش‌بینی قواعد خاصی در مرحله کشف و تعقیب می‌باشد و این درحالی‌است که هرچند در برخی از اسناد بین‌المللی، راهبردهای کلی و نظام‌مندی در این خصوص تعیین گردیده‌است ولی در نظام دادرسی کیفری ایران، با وجود پیش‌بینی برخی از موارد در قوانین و مقررات خاص، مبانی مستقلى با عنوان مبارزه با جرایم اقتصادی در نظر گرفته نشده‌است؛ حال آنکه شیوه‌های ارتکاب این جرایم و تنوع بزهکاری در این حوزه، به‌کارگیری قوانین مستقلى را طلب می‌کند و از این جهت، نظام دادرسی کیفری در برخورد با جرایم اقتصادی، ناگزیر به استفاده از تدابیری خاص و متفاوت از جرایم عمومی می‌باشد. با این همه، سیاست جنایی ایران، با فاصله‌گرفتن از نظام دادرسی کیفری عمومی که دادسرا را عهده‌دار کشف جرم دانسته‌است، در تلاش است تا با تفویض اختیارات متعدد به نهادهای قوه مجریه و سایر دستگاه‌های خدمات عمومی و با به‌کارگیری سیاست جنایی مشارکتی در هسته‌های مختلف جامعه، به‌دنبال ایجاد یک نظام سراسری کشف و تعقیب جرایم در قلمرو بزهکاری اقتصادی باشد. براین‌اساس، شایسته است که قانونگذاری ایران نیز با توجه به الگوهای بین‌المللی پیش‌گفته و سایر مقررات مربوط، با توجه به ماهیت این جرایم، به تعیین راهبردهای مستقل اقدام نماید؛ از این رو، موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. قانونگذار جرایم اقتصادی را تعریف و معیارهای آن را بیان کند. بدون تردید، زمانی می‌توان راهبردهای ناظر بر یک مفهوم حقوقی را تعیین نمود که قلمرو و چیستی آن مشخص گردد.
۲. هرچند که در پاره‌ای از موارد، در محدوده کشف و تعقیب جرم، بخشی از جلوه‌های افتراقی نظیر اجباری بودن اعلام جرم و پیش‌بینی مواعد طولانی توسط قانونگذار پیش‌بینی شده‌است اما موارد تعیین‌شده توسط مقنن بسیار محدود می‌باشد؛ بنابراین، با توجه به پیش‌بینی سایر راهبردهای اعلامی در کنوانسیون‌های بین‌المللی، لازم است که سایر راهبردهای لازم از جمله تحویل نظارت‌شده، استفاده از مخبران بزهکار اقتصادی و تحقیقات مخفی و نفوذ را به‌کار گیرد تا رویه قضایی نیز با ابتنابر راهکارهای قانونی، از تأسیسات پیش‌بینی‌شده در این پهنه استفاده بیشتری نموده و در راستای اجتهاد و ارائه شیوه‌های نوین در این مهم تلاش نماید.

۳. با توجه به پیش‌بینی وظایف کشف و تعقیب جرم در برخی از نهادهای قوه مجریه مانند وزارت کشور، نهادهای حراستی گمرک یا سازمان بازرسی کل کشور، پیشنهاد می‌گردد که به موجب قانون یا آیین‌نامه‌های مرتبط، از ظرفیت‌های سایر نهادهای دولتی و خصوصی در کشف و تعقیب بزهکاری اقتصادی استفاده شود تا سیاست جنایی فراگیر و سراسری در پهنه کشف و تعقیب بزهکاری اقتصادی ایجاد گردد.

۴. با توجه به نقش برجسته سازمان‌های مردم‌نهاد در یک سیاست جنایی مشارکتی کارآمد پیشنهاد می‌گردد که قانونگذار نسبت به رفع محدودیت‌های نهادهای مدنی و ایجاد حق شکایت و پیگیری نسبت به اصلاح ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام نماید.

۵. جهت حفظ اصول و قواعد مرتبط با کشف جرم، اعم از چگونگی حفظ ادله و شناسایی حقوق متهم، از سوی دستگاه عدالت کیفری، آموزش‌های لازم حقوقی به نهادهای کاشف دولتی - اجرایی ارائه گردد.



منابع فارسی

- آخوندی، محمود(۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات دور اندیشان
- آقازاده، علیرضا(۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی دادرسی کیفری قاچاق کالا در ایران و ترکیه و عراق، تهران، انتشارات مجد
- ابراهیمی، شهرام(۱۳۸۶)، "جرم اقتصادی و کنترل آن"، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۲، شماره ۶۱، صص ۱۴۸-۱۳۳
- ابراهیمی، شهرام؛ صادقی‌نژاد نایینی، مجید(۱۳۹۵)، "تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی"، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۷۴-۱۴۷
- ابراهیمی، شهرام؛ صفایی آتشگاه، حامد(۱۳۹۴)، "رویکرد قانونگذار به پیشگیری از جرم در قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد"، پژوهش‌های حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲، صص ۳۱-۷
- اردبیلی، محمد علی(۱۳۸۴)، حمل و تحویل تحت نظارت، علوم جنایی، تهران، انتشارات سلسبیل
- استفانی، گاتسون؛ بولک، برنارد(۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- ال بنسون، مایکل(۱۳۹۰)، جرایم یقه‌سفیدی رویکردی فرصت مدار، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، تهران، انتشارات میزان
- تدین، عباس(۱۳۹۵)، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات میزان
- توسلی زاده، پوران(۱۳۹۲)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل
- جعفری، امین(۱۳۸۶)، "ابراز پشیمانی از ارتکاب جرایم اقتصادی و بازرگانی در حقوق فرانسه"، مجله حقوقی و دادگستری، شماره ۶۱، صص ۱۱۹-۱۰۵
- جعفریان، سید حسن(۱۳۹۴)، از عدالت کیفری امنیت مدار تا عدالت کیفری کرامت مدار(علل، راهکارها)، مجله اندیشه‌های حقوق کیفری، شماره ۱، صص ۵۶-۳۵
- جمشیدی، علیرضا(۱۳۸۸)، "پیشگیری از جرایم اقتصادی؛ از اقدام‌های قضایی تا اقدام‌های اجرایی" در "مجموعه سخنرانی‌های ارائه‌شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم"، به کوشش محمد فرجی‌ها و سید محمد حسین سرکشیکیان، تهران، چاپخانه معاونت آموزش ناجا
- جوانمرد، بهروز(۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری اختصاصی(افتراقی) در جرایم سازمان‌یافته فراملی، تهران، انتشارات جنگل
- خالقی، علی(۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش

- خانعلی پور، سکینه (۱۳۹۷)، کنشگران فرآیند قانونگذاری کیفی ایران در حوزه فساد و جرایم اقتصادی، در سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (مجموعه مقالات)، به کوشش امیر حسن نیازپور، تهران، انتشارات میزان
- عباسی، اصغر (۱۳۹۴)، مبارزه با پول شویی در اسناد بین المللی و نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات میزان
- عشماوی، سعدالدین (۱۳۸۶)، مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، مترجم محمدرضا نصراله‌ی و سید عیسی حسینی، تهران، نشر کارآگاه
- غنجی، علی (۱۳۷۹)، "تحلیلی بر تحویل کنترل شده"، دانش انتظامی، شماره ۶، صص ۱۳۱-۱۱۰
- گسن، ریمون (۱۳۸۹)، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران، انتشارات میزان
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۰)، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، تهران، انتشارات میزان
- رضوانی قوام آبادی، محمود (۱۳۹۶)، "حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفی"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۹، صص ۱۶۸-۱۳۹
- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۷)، "امنیت قضایی به مثابه حق"، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، شماره ۵۶، صص ۴۵-۱۱
- زراعت، عباس (۱۳۹۱)، حقوق کیفی اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل
- سلیمیان، ابوالفضل؛ احمدیان، سعید (۱۳۹۴)، وکالت و حق داشتن وکیل در فرآیند دادرسی، تهران، انتشارات مجد
- شاملو، باقر (۱۳۹۲)، تحول در اصول‌گرایی علم حقوق در پرتو پست‌مدرنیسم، مجموعه مقالات دایره‌المعارف علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات میزان
- شفیع زاده دیزجی، توحید (۱۳۹۲)، "مطالعه مدل‌های دوگانه عدالت کیفی هربرت پاکر، با تکیه ارزیابی عدالت کیفی ایران در پرتو آن مدل‌ها"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- درودی، علی؛ خالقی، ابوالفتح (۱۳۹۴)، "فرض قانونی علم و اطلاع نسبت به امور حکمی" مجله حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۸۷-۶۱
- صیقل، یزدان؛ نوبهار، رحیم (۱۳۹۶)، "ویژگی‌ها و راهبردهای کیفرشناسی ریسک‌مدار"، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، شماره ۱۰۰، صص ۲۱۴-۱۹۷
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۴)، آیین دادرسی جرایم اشخاص حقوقی، آیین دادرسی کیفی بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

- کرمی پور سیار، عباس(۱۳۹۳)، پیشگیری از جرم در موافقت‌نامه‌های همکاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجد
- گلدوست جویباری، رجب(۱۳۹۷)، "بررسی رویکرد امنیت گرایانه به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران"، پژوهش‌های حقوقی قضایی، شماره ۳، صص ۴۲-۲۷
- لازرژ، کریستین(۱۳۹۴)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات میزان
- مالوری، فلیپ(۱۳۸۸)، حقوق و ادبیات، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران انتشارات آگاه
- مهدوی پور، اعظم(۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، انتشارات میزان
- مهدوی پور، اعظم؛ شهرانی کرانی، نجمه(۱۳۹۴)، "نقش مخبران در آیین دادرسی کیفری ناظر بر جرایم اقتصادی، مقتضیات و موانع"، مجله پژوهش‌های حقوق کیفری گیلان، شماره ۱۰، صص ۱۵۶-۱۲۹
- معظمی، شهلا؛ حسین، گلدوزیان؛ وحید دستجردی، فاطمه(۱۳۹۱)، "رویکردی تطبیقی به مسئولیت طرفین دام‌گستری(مأمور پلیس - متهم) در حقوق کیفری ایران و آمریکا"، فصلنامه دانش انتظامی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۸۰-۱۴۱
- ناجی زواره، مرتضی(۱۳۹۲)، "رسالت آیین دادرسی کیفری"، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۹، صص ۱۴۸-۱۲۹
- ناجی زواره، مرتضی(۱۳۸۲)، "مقررات حاکم بر جلب اشخاص در حقوق کیفری ایران و انگلیس"، رساله دکتری دانشگاه تهران.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ رضوانی، سودابه(۱۳۹۱)، حق بر امنیت و حق بر تأمین، دیباچه در مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم، تهران، انتشارات میزان
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۹۴)، آیین دادرسی کیفری: جدال قدرت - امنیت و حقوق - آزادی‌های فردی، آیین دادرسی کیفری بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها(مجموعه مقالات همایش قانونی آیین دادرسی کیفری دانشگاه شهید بهشتی)، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۹۲)، سیاست جنایی افتراقی، دیباچه در درآمدی بر سیاست جنایی کریستین لازرژ، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات میزان
- نجفی توانا، علی(۱۳۹۱)، جرم‌شناسی، تهران، انتشارات آموزش و سنجش
- نصیری، مصطفی(۱۳۹۱)، "رویکرد جرم‌شناسی پسامدرن به جرم یقه‌سفید"، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس

- نظری نژاد، محمدرضا؛ اسفندیاری فر، خشایار (۱۳۹۵)، "بررسی تطبیقی کنوانسیون مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد"، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۳، صص ۲۱۵-۱۹۱

- نوربهار، رحیم (۱۳۸۷)، حمایت کیفری از حریم عمومی و خصوصی، تهران، انتشارات جنگل
 - نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات میزان
 - ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسپینس، جفری (۱۳۹۶)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران انتشارات سمت

- یوسفی مراغه، مهدی؛ سعادت، علی؛ زارع مهدوی، قادر (۱۳۹۲)، "علل ارتکاب جرایم اقتصادی و راهکارها"، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۱۷۰-۱۴۵
 - یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۴)، "دام‌گستری، مفهوم و مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران"، مجله فقه و حقوق، شماره ۶، صص ۱۱۷-۹۱

منابع انگلیسی

- SJogren, hand and skogh, goran(2014), New Perspectives on Economic Crime ,Edward Elgar publishing limited, p1-2
- Ledevena, alena, v. and kurkchigan, marina (2000), Economic crime in russa, Kluwer law international, p.4
- Hanry Campbell. (2009), Black Law Dictionary st. Panu M.N.West. Abandisky.(1994), Howandorganized Crime Ed Chicago
- Chepfon, J, D (2000), The Problems of Entr Pmen 4, 32, Gamgrilgelawjownol, Somer.michael. (2010), Placing Blame. a Theory if the Criminal Law. Oxford university